

نویسنده و کارگردان:

بهر روز قنبر حسینی

بازیگران:

احمد نیک آذر (بازیگر مهمان)

آزاده داربویی

طرح و اجرای صحنه،
طراح لباس و بروشور:

کلنار صادق پور

طراح پوستر:

شیما حبیبی راد

... و با سپاس از همه ی همراهان این نمایش ، به ویژه دوست تازه نفسمان
مهدی راد که در اجرای این نمایش ما را یاری کردند!

Wir bedanken uns besonderes an Dirk Schlesiger!

چقدر سریع اتفاق می افته، بی اونکه بفهمیم یهو برمی گردیم و می بینیم
شدیم آدم بزرگ ، یه آدم بزرگ جدی و پر مشغله. آدم بزرگی که زیر
بارون بدون چتر راه نمی ره که مبادا خیس شه و یا به باد ناسزا می گه که
لباسهای خوش رنگش رو چروک می کنه. آدم بزرگی که نمی تونه داد
بزنه و بگه ”من عاشق شدم“ و یا نمی تونه چشمه اش رو تنگ کنه و از
کسی چیزی رو که نمی دونه پرسه.

چقدر سریع اتفاق می افته؟

بی اونکه بفهمیم ذوب می شیم تو انبوه پر حجم پیچیدگی های زمان و
فاصله می گیریم از سادگی یک برگ سبز و یا لبخند یک قطره شبنم.
صدای رشد شمعدونی های پشت پنجره مون رو فراموش می کنیم و یا
پای دردل آینه نمی شنیم که از خودمون به خودمون بگه و یا...

چقدر سریع اتفاق می افته؟

راستی اگه شازده کوچولو تا حالا روی زمین بود چیکار می کرد؟

سرانجامش چی می شد؟

تو به روز پاییزی توی یه جنگل قدم می زدم ، نم بارون بهاری باریده بود
بر من، روی نیمکتی نشستم و چشمهام رو بستم. به شازده کوچولو و
رویاه و اهلی کردن و آدم بزرگ شدن فکر می کردم. پس از آن کلمه ها
نقش زدند بر کاغذ، به قامت نمایشنامه نشستند. هم او را به نم باران بهاری
هدیه اش کردم. این اجرا را نیز به هم اویش هدیه می کنم که طراوت و
حضورش همیشگی است در من!